

بررسی تطبیقی جرم قاچاق انسان در قوانین ایران و کنوانسیون‌های بین‌المللی

عبدالمحمد افروغ¹ عباس برزگر زاده² مصطفی زارعی³

چکیده :

قاچاق، معضل دیرینه‌ای است که از دیرباز خسارت‌های اقتصادی و فرهنگی گسترده‌ای به کشورها وارد کرده و ملت‌ها را از درآمدهای مشروع و قانونی چشمگیر محروم ساخته است. در این راستا، قاچاق انسان، به یکی از پدیده‌های جوامع انسانی در طول ادوار مختلف تاریخی و همچنین در زمان حاضر، که از ابتدای دهه 1990 میلادی به برده‌داری مدرن شهرت یافته، به یک معضل جهانی تبدیل شده است. قاچاق انسان را در قرن بیست و یکم می‌توان صورت جدیدی از تجارت بردگان تا قرن نوزدهم تصور نمود. از این رو، لزوم جرم‌انگاری قاچاق انسان در تمامی کشورهای جهان احساس می‌شود. در حال حاضر به علت رشد و توسعه روزافزون این پدیده، قاچاق انسان چه در داخل کشورها به موجب قوانین داخلی و چه در سطح بین‌المللی، به عنوان یک جرم تلقی گردیده است. در بعد بین‌المللی، این جرم، اغلب توسط گروه‌های جنایتکار سازمان‌یافته که در کشورهای مختلف شعبه و عضو دارند، ارتکاب می‌یابد و لذا یک جرم سازمان‌یافته فراملی محسوب می‌گردد. برای مقابله با این پدیده، در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای، کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های مختلفی به تصویب رسیده‌اند. از جمله این کنوانسیون‌ها و پروتکل‌ها، پروتکل مقابله با قاچاق مهاجرین از طریق خشکی، هوا و دریا، کنوانسیون پالمو و کنوانسیون سارس می‌باشند. این پدیده شوم، متأسفانه در کشور ما نیز رواج یافته است؛ اما به دلیل فقدان آمار جنایی دقیق نمی‌توان از آمار قاچاق انسان (و به ویژه زنان و کودکان) سخنی راند. ولی آنچه در روزنامه‌ها یا زبان همگانی است، نشانگر آمار نگران‌کننده قاچاق انسان در ایران می‌باشد از این رو قانون‌گذار مقابله با این جرم، اقدام به جرم‌انگاری معضل جنایت قاچاق در تاریخ 27/2/83 و تصویب آن نموده است؛ که واکنش مناسب قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران به جرم مذکور، به رغم عدم الحاق به کنوانسیون‌های بین‌المللی مبارزه با قاچاق انسان و در راستای هم‌نوایی با عزم جامعه بین‌الملل برای مقابله با این معضل جهانی و اهتمام به وجاهت و کرامت انسانی بوده است.

کلمات کلیدی: قاچاق انسان، کنوانسیون‌های بین‌المللی، جرم سازمان‌یافته، کرامت انسانی،

بردگی نوین، کنوانسیون پالمو، دیوان بین‌المللی کیفری، جنایت علیه بشریت، حقوق جزایی ایران

1- استادیار حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر

2- استادیار حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر

3- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر

مقدمه:

حفظ کرامت بشر و احترام و التزام به آن یکی از اصول بنیادین ادیان الهی و اسناد بین المللی حقوق بشر محسوب می‌شود. بهره‌مندی از فضیلت‌های ارزشمند اخلاقی و الهی به منظور فراهم نمودن زمینه‌های رشد و تعالی بشر منحصرأ در پرتو حفظ حقوق اولیه و توجه به اصل کرامت ذاتی بشر است. بر همین اساس مفهوم و موضوعات حقوق بشر و التزام به رعایت آن امروز در نظام بین‌المللی و نظام‌های ملی حقوقی از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است. قاچاق انسان در سال‌های اخیر، توجه عموم را به خود جلب کرده است. موضوع قاچاق انسان (غالباً مردان و زنان و دختران فقیری می‌باشند که برای کار، تحصیل امکانات رفاهی بهتر توسط گروه‌های ناشناس مرتبط با مجرمان جرائم سازمان‌یافته، به صنعت پورنو وارد می‌شوند که سهم وسیعی از قاچاق در اقتصاد جهانی را به خود اختصاص داده است. قاچاق انسان، یکی از پیچیده‌ترین و درعین حال خشن‌ترین جرائمی است که در حال حاضر در سطح جهان روی می‌دهد. این پدیده که باهدف ارتکاب اعمال غیرقانونی صورت می‌گیرد، دامن‌گیر بسیاری از کشورهای جهان شده است. در بیشتر موارد، قاچاقچی‌ها افراد را به بهانه مهاجرت غیرقانونی به کشورهای دیگر منتقل کرده و از آن‌ها سوءاستفاده می‌کنند. قاچاق انسان یکی از پدیده‌های خطرناکی است که در قرن بیست و یکم تمامی جامعه جهانی، از جمله ایران را تهدید می‌کند. خرید و فروش انسان و سوءاستفاده از افراد بشری، از دیرباز وجود داشته است، لیکن ویژگی اصلی این عمل مجرمانه در قرن بیست و یکم که آن را خطرناک تر می‌کند، سازمان‌یافته بودن و فراملی بودن آن است. در دهه‌های اخیر، به منظور مبارزه با معضل قاچاق انسان، برای مثال به خدمت گرفتن، انتقال و ترانزیت افراد به منظور نیروی کار اجباری یا اقدامات شبه بردگی، قوانین ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی توسعه و ارتقاء زیادی داشته‌اند.

واکنش‌های حقوقی نسبت به این مشکل، حول سه محور تعقیب نمودن قاچاقچیان، حمایت از افراد قاچاق شده و پیشگیری از بزه قاچاق، متمرکز شده است و در عمل این واکنش‌ها بیش‌تر بر تعقیب نمودن قاچاقچیان تأکید دارد تا حمایت از قربانیان؛ ولی به طور کلی، واکنش‌های قانونی نسبت به قاچاق انسان، به صورت یک سری قوانین و مقررات مبارزه با خشونت تدوین شده است که در آن مجرمان تنبیه می‌شوند و قربانیان جهت حضور مجدد در جامعه مورد حمایت قرار می‌گیرند. (محمد رحمتی، 1390:215)

از جمله عوامل مهمی که باعث گسترش روزافزون و تصاعدی قاچاق انسان در صحنه جهانی شده است، می‌توان به مواردی همچون: فروپاشی بلوک شرق و رشد روزافزون جامعه

بیکار، درگیری‌های داخلی و به خصوص در کشورهای آفریقایی و فقیر، پرسود بودن و کم هزینه بودن تجارت انسان، افول باورهای مذهبی، بی‌اعتمادی مردم به دولت‌ها، فقر اقتصادی و نابرابری‌های اجتماعی، نبود و کمبود فرصت‌های شغلی در کشورهای مبدأ و متقابلاً احتیاج ضروری کشورهای پیشرفته و صنعتی به نیروی کار ازان تر، ضعف قوانین و مکانیسم‌های پیشگیرانه و بازدارنده، جهل و عدم آگاهی به عواقب شوم مهاجرت، افزایش جمعیت، سازمان‌یافته بودن و مافیایی بودن قاچاق انسان، اشاره نمود.

امروزه آمار دقیقی از افراد قاچاق شده وجود ندارد؛ اما سازمان‌های بین‌المللی فعال در این زمینه گزارش داده‌اند که سالانه 2 میلیون نفر قاچاق می‌شوند. طبق آمار این سازمان‌ها تخمین زده می‌شود که از دهه 1970 حدود 30 میلیون زن و کودک قاچاق شده‌اند، که این آمار ارائه شده، عمق این فاجعه و تراژدی غم‌انگیز بشری رو آشکار می‌سازد. (کولایی، 167:1377)

قاچاقچیان انسان، ایران را هم به عنوان مبدأ، هم مقصد و هم محل ترانزیت مورد هدف قرار داده‌اند. طبق پژوهش‌های صورت گرفته، هر ساله تعدادی از زنان و کودکان از ایران به کشورهای حاشیه خلیج فارس و پاکستان قاچاق می‌شوند و در آن جا مورد بهره‌کشی به ویژه بهره‌کشی جنسی قرار می‌گیرند. علاوه بر این، قاچاقچیان همه‌ساله افرادی را از افغانستان و پاکستان به منظور فعالیت در کارهای مختلف به ایران قاچاق می‌کنند. همچنین ایران کشور محل ترانزیت است و قاچاقچیان برای عبور طعمه‌های خود به کشورهای حاشیه خلیج فارس و اروپا از مسیر ایران می‌گذرند. (محمدجعفر حبیب زاده، 34:1388).

به موازات گسترش قاچاق انسان، عزم کشورهای مختلف در مبارزه کیفی و اقدامات بازدارنده با این پدیده شوم جهانی، افزایش یافته و تلاش کرده‌اند تا از طریق وضع قوانین شدید و انعقاد کنوانسیون‌های بین‌المللی به مبارزه با این معضل و تنبیه قاچاقچیان انسان بپردازند. در حقوق کیفری ایران تا قبل از سال 1383 مقرر خاصی به این امر اختصاص نیافته بود. در این سال، مجلس تحت تأثیر تحولات بین‌المللی و همچنین گزارش چندین مورد قاچاق زنان از ایران به خارج از کشور، لایحه مبارزه با قاچاق انسان را تصویب کرد. لذا این تحقیق، ضمن بررسی و تحلیل جرم‌انگاری و اقدامات پیشگیرانه در تقابل به جرم قاچاق انسان در سطح بین‌الملل از طریق واکاوی کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی در خصوص عزم جامعه جهانی جهت مبارزه با این پدیده شوم قرن بیست و یکم، در صدد است که تا رویکرد و عزم قانون‌گذاری داخلی ایران را نیز در این انقلاب جهانی مورد بررسی قرار دهد.

بیان مسئله:

قاچاق انسان، یکی از جرائم علیه کرامت انسانی، همه ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشورها را مورد تهدید قرار داده است و به عنوان یکی از بزرگ ترین جرائم سازمان یافته به دلیل سود و منافع سرشار آن و خطرات بسیار کم ناشی از آن، گروه های جنایتکار بین المللی را به ارتکاب آن برانگیخته است. قاچاق انسان که با تعبیرهایی همچون تجارت سفید، بردگی مدرن و یا شکل مدرن بردگی بکار می رود، یکی از مهم ترین چالش های پیش روی جامعه بین المللی در قرن حاضر است که این خود نیازمند عزم دولت و جامعه بین الملل در مبارزه با این پدیده شوم می باشد. قاچاق انسان با 35 میلیارد دلار گردش مالی سومین تجارت بزرگ جهان پس از قاچاق اسلحه و مواد مخدر است. این پدیده به عنوان صورتی مدرن از پرده داری، یک جنایت سازمان یافته فراملی است با این تفاوت از برده داری سنتی که در برده داری کلاسیک در طول قرن ها برده داری مجموعاً 5/11 میلیون سیاه پوست آفریقایی استعمار شده اند در حالی که اکنون بیش از 200 میلیون نفر از نژادهای مختلف به نحوی در سلطه یا در اختیار قاچاقچیان، زنان و کودکان هستند (سلیمی صادق، 1389:88).

این سخن که برده داری سنتی قرون گذشته، به رغم پیشرفت های محیرالعقول بشریت در حوزه های مختلف علوم تجربی، فنی و انسانی و برافراشتگی پرچم حقوق بشر بر بام های بلند سازمان های بین المللی - به ویژه سازمان ملل متحد - در قرن 21، در کسوت قاچاق انسان و به صورت فراملی رخ نموده، دور از واقعیت نیست. معرفی قاچاق انسان و اعضاء و جوارح آن، به عنوان سودآورترین تجارت سیاه، پس از مواد مخدر، موید گسترده ی انکارناپذیر این واقعه شوم در سراسر گیتی است. چندان که شناعت و قبح بین المللی این پدیده، منجر به تلاش های گسترده در سطح جهان در زمینه پیشگیری و سرکوب جرم قاچاق انسان گردیده که از جمله مهم ترین آن ها، تصویب کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرائم سازمان یافته فراملی سال 2000 (پالمو) و پروتکل الحاقی آن است که متعاقب آن، کشورهای مختلف جهان، چه آن هایی که ملحق به کنوانسیون شده اند و چه آن هایی که مانند ایران تاکنون ملحق نشده اند، اقدام به جرم انگاری این رویداد تلخ نموده اند. تا بدین سان گام موثری در را در راستای دفاع از کرامت و شرافت انسانی برداشته باشد.

امروزه مبارزه با قاچاق انسان، به عنوان یکی از جرائم علیه کرامت انسانی، وجهه همت بسیاری از کشورها قرار گرفته است. نقض کرامت انسانی توسط قاچاقچیان انسان و ارتباط تنگاتنگ قاچاق با دیگر جرائم سازمان یافته، مانند پول شویی، از علل اصلی عزم جامعه جهانی برای مبارزه با این

جرم است. ایران نیز همانند بسیاری از کشورها از تیررس قاچاقچیان انسان در امان نمانده است. تا قبل از تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان، نظام عدالت کیفری در سردرگمی بود. در سال 1383 به دنبال تحولات بین‌المللی، همانند تصویب پروتکل راجع به پیشگیری و مبارزه با قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان، الحاقی به کنوانسیون پالمو و ارائه گزارش‌هایی مبنی بر قاچاق زنان و کودکان از ایران به کشورهای همسایه، قانون مبارزه با قاچاق انسان به تصویب رسید. این اقدام، خلأ قانونی در این حوزه را رفع کرد؛ اما تعجیل در تصویب آن موجب شد تا بسیاری از موضوعات مربوط به این جرم به سکوت برگزار شود.

قاچاق انسان به عنوان یک رفتار بزهکارانه، مستوجب مجازات در ایران سابقه چندین طولانی قانونی ندارد، اما به دلیل فقدان آمار جنایی دقیق، نمی‌توان از نرخ ارز واقعی یا نزدیک به واقع از قاچاق زنان سخنی راند. ولی آنچه در روزنامه‌ها یا زبان همگانی است، نشانگر آمار نگران‌کننده قاچاق انسان در ایران می‌باشد. یکی از این نشانه‌ها، تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب 1383 است که درعین حال که قرینه‌ای بر وجود این پدیده است واکنش مناسب قانون‌گذار به آن نیز محسوب می‌شود.

در این راستا به استناد بند 7 اساس‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری (ICC) سال 1998، صراحتاً با عنوان مصادیقی همچون: بردگی، اخراج یا انتقال اجباری، بردگی جنسی و فاحشگی اجباری و تمامی فعالیت‌هایی که منجر به خارج کردن انسان از یک نوع دارایی که تحت نفوذ نامحدود یک انسان دیگر می‌شود (مانند قاچاق انسان باهدف فاحشگی زنان و کودکان، استثمار کودکان و قربانیان قاچاق، حضانت از کودکان باهدف برداشتن اعضای بدن)، مجامع جهانی را متوجه معضل قاچاق انسان به عنوان یک جرم سازمان‌یافته نمود. تا آنجا که بدین منظور در سال 2000، مجمع عمومی سازمان ملل متحد اقدام به ضمیمه پروتکل جلوگیری، توقف و مجازات قاچاق و تجارت انسان، به کنوانسیون پالمو ایتالیا نموده است. (ذاقلی، 1388: 147).

در اینجا نظری به اسناد بین‌المللی پیرامون قاچاق انسان می‌اندازیم. اولین سند بین‌المللی در این رابطه مقاله نامه 18 مه 1904 به نام مقاله نامه بین‌المللی پاریس مورخ 18 مه 1904 راجع به تأمین و حمایت موثر علیه معاملات جنایت کارانه موسوم به خرید و فروش سفیدپوستان، است. توضیح اینکه در آن دوران هنوز برده داری سیاهان در برخی نقاط رایج بوده. ماده 6 این مقاله نامه مواظبت از آژانس‌های مسافرتی و بنگاه‌های کاریابی مورد تأکید واقع شده است. همین‌طور که مشاهده می‌شود مقاله نامه 1904 فقط راجع به سفیدپوستان و نگاه نژاد پرستانه‌ای دارد. در سال 1910 قرارداد دیگری برای رفع خلاهای قانونی قرارداد 1904 امضا شد. در 30 دسامبر 1921

قرارداد سوم ضمیمه شد. ایران از امضاکنندگان قرارداد سوم بود. در این سند قید سفیدپوست از زنان حذف شد. سند بعدی در سال 1933 در پی مأموریت کمیته معامله نسوان و اطفال از طرف جامعه ملل قرارداد بین المللی راجع به جلوگیری از نسوان کبیره شکل یافت که ایران در 20 دی 1313 به آن پیوست، در سال 1949 پروتکل اصلاحی توسط سازمان ملل متحد در جهت اعتبار و تکمیل چهار سند پیشین تصویب شد. در این سند روسپی‌گری و قاچاق تعریف نشده است تا این که بالا خره در سال 2000 پروتکل الحاقی به کنوانسیون پالمو به امضای 133 کشور رسید .

بنا بر مطالب ذکرشده و با توجه به اهمیت قاچاق انسان در این تحقیق سعی می‌شود که بررسی تطبیقی قاچاق انسان در قوانین ایران و کنوانسیون‌های بین‌المللی پرداخته شود. لذا در این نوشتار سعی می‌شود به این سؤال پاسخ داده شود که، مفهوم قاچاق انسان در قوانین ایران و کنوانسیون‌های بین‌المللی چگونه است؟ و همچنین اینکه آیا قوانین مرتبط با قاچاق انسان در نظام حقوقی ایران با کنوانسیون‌های بین‌المللی، از هماهنگی لازم برخوردار است؟

پیشینه تحقیق:

در مورد قاچاق انسان تحقیقات متعددی انجام شده است. ولی هیچ‌گاه به صورت مستقیم پژوهشی در باب بررسی تطبیقی قاچاق انسان در قوانین ایران و کنوانسیون‌های بین‌المللی به رشته نگارش در نیامده است. در رابطه با تحلیل قاچاق انسان کتب و مقالاتی نوشته شده که در ذیل تعدادی از آن‌ها معرفی می‌گردد:

عینی (1390) در مقاله‌ای با عنوان " بزه دیدگان قاچاق انسان در اسناد فراملی " آورده است: از راهبردهای مبارزه موثر با قاچاق انسان، به عنوان جرمی علیه کرامت انسانی - حمایت از بزه دیده است. بر این اساس، اسناد فراملی مثل پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان سازمان ملل متحد و در موضع برتر کنوانسیون اقدام علیه قاچاق انسان شورای اروپا، تدابیر حمایتی مختلفی را مقرر کرده‌اند که به بهبودی جسمی، روانی و اجتماعی بزه دیده کمک می‌کند و او را برای بازگشت موفق به خانواده و اجتماعش یاری می‌کند .

بیگی (1389) در مقاله‌ای با عنوان " راهبردهای حمایتی سازمان ملل متحد، ایران و اسلام در تأمین امنیت بزه دیدگان و شهود قاچاق انسان " آورده است: پاس داشت عدالت و دادگستری و صیانت از شهروندان به ویژه در مقام همکاری با کارگزاران نظام عدالت کیفری از یک سو و سیاست جنایی افتراقی متأثر از رهیافت‌های بزه دیده شناسی حمایتی از سوی دیگر، ایجاب می‌کند که امنیت بزه دیدگان و شهود به انحای مختلف تأمین شود. سازمان یافتگی، فراملی بودن و گروهی و گسترده بودن جنایت قاچاق انسان، اقتضا می‌کند که بزه دیدگان قاچاق، خود به عنوان شاهد در

جریان محاکمه حضور یابند و به نفع خود و سایر بزه دیدگان، گواهی دهند. از سوی دیگر، معمولاً مرتکبان و سایر عوامل قاچاق از قدرت و نفوذ بالایی برخوردارند و به نوعی تحت پوشش مقام های بانفوذ قدرت های حاکم، این جنایت را مرتکب می شوند

حبیب زاده (1388) در مقاله ای با عنوان " قاچاق انسان در حقوق کیفری ایران " آورده است: تا قبل از تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان، نظام عدالت کیفری در سردرگمی بود. در سال 1383 به دنبال تحولات بین المللی، همانند تصویب پروتکل راجع به پیشگیری و مبارزه با قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان، الحاقی به کنوانسیون پالمو و ارائه گزارش هایی مبنی بر قاچاق زنان و کودکان از ایران به کشورهای همسایه، قانون مبارزه با قاچاق انسان به تصویب رسید. این اقدام، خلأ قانونی در این حوزه را رفع کرد، اما تعجیل در تصویب آن موجب شد تا بسیاری از موضوعات مربوط به این جرم به سکوت برگزار شود. تحقیق پیش رو تلاش دارد قانون مذکور را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد و نقایص آن را متذکر شود.

ذاقلی (1388) در مقاله ای با عنوان " بررسی ظرفیت دیوان کیفری بین المللی برای رسیدگی به بزه قاچاق انسان " آورده است: در کنار رشد روزافزون جلوه های فراملی قاچاق انسان، یادآور لزوم مبارزه ای همه جانبه با این معضل جهانی است. تحقق این خواسته نیز مستلزم به کارگیری ابزارهای جهانی است. یکی از این ابزارهای مهم برای رسیدگی به بزه قاچاق انسان، استفاده از ظرفیت های دیوان کیفری بین المللی است. بنابراین، با توجه به تجربه بین المللی در دو دادگاه موقت بین المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا که به جلوه هایی از این جنایت رسیدگی کرده اند، بررسی امکان طرح مواردی از قاچاق انسان نزد ICC موضوع این نوشتار است.

کولایی (1388) در مقاله ای با عنوان " عوامل و انگیزه های قاچاق انسان (با تاکید بر آسیای مرکزی)" آورده است: قاچاق انسان بی تردید شکل جدیدی از برده داری مدرن در جهان است. طبق آمارهای سال 1383 سالانه بین 800 تا 900 هزار انسان در جهان، به منظور کار اجباری، کار خانگی یا سوءاستفاده جنسی قاچاق می شوند. قاچاق انسان به عنوان یکی از جرائم سازمان یافته پس از تجارت مواد مخدر و اسلحه، سالانه 7 تا 10 میلیارد دلار سودآوری دارد. سؤال اصلی این مقاله "چستی عوامل قاچاق انسان در آسیای مرکزی است". به این منظور بر پایه بررسی نتایج مطالعات نظری و میدانی در این زمینه، روش توصیفی - تحلیلی برای نگارش این مقاله مورد استفاده قرار گرفته است.

اهمیت و ضرورت تحقیق:

قاچاق انسان امروزه در سطح جهان به شکلی گسترده صورت می‌گیرد، که البته با توجه به نحوه‌ی انجام این جرم باید آن را تحت عنوان یکی از جنایات سازمانی فراملی بررسی کرد. و این جنایت با توجه به آثار سوء سیاسی، اقتصادی، اجتماعی که به بار می‌آورند، حیات ملت‌ها و دولت‌ها را به خطر می‌اندازند.

با توجه به اینکه جرم قاچاق انسان، از جمله جرائمی است که در سال‌های اخیر، مورد توجه رسانه‌ها، محافل حقوقی، نهادهای دولتی و سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفته است هنوز بسیاری از زوایای آن، مورد بررسی و تحلیل کامل قرار نگرفته است. همین امر موجب گردیده که متون تولیدشده در این زمینه، پاسخ‌گوی تمامی ابهامات و نیازهای محققین نباشد. حمل و نقل و قاچاق اتباع خارجی ارزش و کرامت بشری را هم در دولت مبدأ هم در دولت مقصد به شدت تهدید می‌کند. افزایش فحش‌های بین‌المللی و تولید تصاویر مستهجن هرزه نگاری (pornography) آثار اجتماعی و بهداشتی شدیدی بر جای می‌گذارد. سالانه صدها هزار نفر زن و مرد و کودک در دنیا قاچاق می‌شوند و سپس به ارتکاب انواع اعمال غیراخلاقی وادار می‌شوند. این افراد معمولاً مورد بهره‌برداری اقتصادی، جنسی و جسمی قرار می‌گیرند.

با توجه به اهمیت این جنایات و خطری که از این جرائم متوجه افراد و جامعه‌ی بین‌المللی است تلاش‌های فراوانی از طریق وضع قوانین کیفری هم از سوی جامعه‌ی بین‌المللی و هم از سوی قانون‌گذاران داخلی صورت گرفته است ضرورت بررسی این جرم احساس می‌شود. با توجه به اهمیت این جنایات و خطری که از این جرائم متوجه افراد و جامعه‌ی بین‌المللی است تلاش‌های فراوانی از طریق وضع قوانین کیفری هم از سوی جامعه‌ی بین‌المللی و هم از سوی قانون‌گذاران داخلی صورت گرفته است. فلذا ضرورت بررسی این جرم و همچنین تبیین جایگاه سیاست جنایی در جرم‌انگاری قاچاق انسان در قوانین ایران و بین‌الملل احساس می‌شود.

سؤالات تحقیق:

در این تحقیق پژوهشگر به دنبال پاسخ‌های مناسب برای سؤالات ذیل می‌باشد:

- 1- آیا قوانین مرتبط با قاچاق انسان در نظام حقوقی ایران با کنوانسیون‌های بین‌المللی، از هماهنگی لازم برخوردار است؟
- 2- مبنای جرم‌انگاری قاچاق انسان در قوانین ایران و اسناد بین‌الملل چیست؟
- 3- در پرتو عرف و قواعد بین‌الملل، تا چه حد می‌توان به معضل و پدیده قاچاق انسان، به عنوان جنایت علیه بشریت نگریست؟

روش تحقیق:

این پژوهش بر اساس روش توصیفی - تحلیلی با رویکرد تطبیقی نوشته شده است. که پس از بررسی اسناد و کنوانسیون‌های بین‌الملل و تطبیق با قوانین موضوعه ایران در خصوص قاچاق انسان، به مطلب مورد نظر دست خواهیم یافت. در تنظیم پژوهش از روش اسنادی و کتابخانه‌های استفاده شده است. در این تحقیق همچنین به کلیه اسناد ملی و بین‌المللی، همچنین ارائه‌ی مستندات موجود، به ویژه پروتکل‌های سازمان ملل پرداخته شده است. البته قابل ذکر است که در تحقیقی با این محتوا بایستی، از روش پرسشنامه‌ای و مصاحبه‌ای نیز استفاده می‌شد که متأسفانه به علت ماهیت پیچیده و پنهان قاچاق انسان، در این پژوهش به طور کامل قادر به انجام روش فوق نبوده‌ایم؛ ولی از مصاحبه‌هایی که توسط سایر مراکز انجام گرفته است، مطالبی جمع‌آوری و در تحقیق گنجانده شده است.

فرضیه‌های تحقیق

الف فرضیه اصلی: مفهوم قاچاق انسان در قوانین ایران و کنوانسیون‌های بین‌المللی تفاوتی ندارد.

ب) فرضیه‌های فرعی: 1- مبنای جرم‌انگاری قاچاق انسان در قوانین ایران و در سطح بین‌الملل عرف، کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی می‌باشد. 2-، اگر چنانچه یک کشوری، به صورت مستقیم و یا به عنوان نقش حمایتی، اقدام به جنایت قاچاق انسان نماید، به استناد عناصر جرم جنایت علیه بشریت، فعالیت حادث شده از مصادیق جرم مذکور می‌باشد

پدیده قاچاق انسان و جرم‌انگاری آن:

در این مطلب ابتدا وضعیت قاچاق انسان و جرم‌انگاری آن در کنوانسیون‌ها و مجامع بین‌الملل مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس، تمهیدات و اقدامات قانون‌گذاری ایران در خصوص پدیده قاچاق انسان مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

مفهوم و ویژگی‌های قاچاق انسان:

قاچاق به علت کثرت موضوعات آن، مصادیق متعددی از قبیل: قاچاق انسان، اسلحه، مواد مخدر، اعضاء و جوارح، میراث فرهنگی کشورها، گونه‌های حیوانات کمیاب و ... را در بر می‌گیرد. اصولاً قاچاق انسان، مرکب از اعمالی است که طی آن مجرمین قربانیان را تحت کنترل خود درمی‌آورند و این کار را با روش‌های اجباری یا فریبنده یا روابط استعمارگرانه انجام می‌دهند.

(سلیمی، 1386:130)

پس هنگامی که کنترل اولیه بر قربانیان قاچاق انسان حاصل شد، قربانیان به محلی انتقال داده می‌شوند که بازاری برای خدمات آن‌ها موجود است و آنان اغلب فاقد تسلط به زبان و دیگر اطلاعات ابتدایی برای درخواست کمک می‌باشند. مقصدها عموماً در کشورهای خارج است گرچه همیشه لازم نیست که عبور از مرزهای بین‌المللی صورت گیرد. به محض ورود به مقصد، قربانیان مجبور به کار در مشاغل دشوار، خطرناک و معمولاً ناخوشایند، همچون تن فروشی، تولید پورنوگرافی کودکان یا کارهای شاق معمولی می‌شود تا برای قاچاقچیان تولید منفعت کنند. قربانیان، همچون دیگر کالاهای قاچاق، گاه به سادگی از یک باند جنایتکار به یک باند جنایتکار دیگر فروخته می‌شوند، اما بر خلاف کالا، آنان مجبور به دوره‌های طولانی کار در مقصد نهایی شده و سود کلان تری برای قاچاقچیان در همه این مراحل تولید می‌کنند.

با گسترش اهداف مورد نظر قاچاقچیان انسان، گستره اهدافی که در تعریف قاچاق انسان گنجانده می‌شود نیز افزایش یافته است؛ چنان که در اسناد بین‌المللی متقدم در تعریف قاچاق انسان، بیش تر بر کار اجباری تأکید می‌شد، حال آن که در اسناد جدیدتر، گستره آن توسعه یافته و ازدواج اجباری، بهره‌کشی جنسی و برداشت اعضا را نیز دربر می‌گیرد. با این حال، جامعه بین‌الملل، برای اولین بار در پروتکل الحاقی کنوانسیون پالمو 2000 ایتالیا (پروتکل پیشگیری و مبارزه با قاچاق انسان، به ویژه قاچاق زنان و کودکان، الحاقی به کنوانسیون مقابله با جرائم سازمان‌یافته فراملی) به تعریف جامعی از قاچاق انسان به توافق رسیده است.

که در بند الف ماده 3 در این پروتکل، قاچاق را چنین تعریف می‌نماید:

«قاچاق انسان» به معنای جلب افراد، حمل و نقل، جابجایی، پناه دادن یا تحویل گرفتن افراد، به وسیله تهدید یا استفاده از زور و یا دیگر اشکال اجبار، آدم‌ربایی، کلاه‌برداری، فریب، سوءاستفاده از قدرت و یا موقعیت آسیب‌پذیری، یا دادن یا گرفتن پول یا منافع برای کسب رضایت فردی که کنترل فرد دیگری را در دست دارد، به منظور بهره‌رایی (استثمار) می‌باشد. بهره‌رایی شامل، حداقل، بهره‌وری از تن فروشی دیگران یا دیگر اشکال استفاده جنسی، کار یا خدمات تحمیلی، برده‌داری یا اشکال مشابه برده‌داری، بندگی یا برداشتن اعضای بدن است. این تعریف در قانون مبارزه با قاچاق انسان مورد اقتباس قانون‌گذار ایران نیز قرار گرفته است و ماده 1 قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب سال 1383 در ایران نیز با تأسی از این پروتکل و در تعریفی نسبتاً مشابه جرم قاچاق انسان، آورده است:

الف - خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوءاستفاده از وضعیت فرد یا افراد یادشده، به قصد فحشا یا برداشت اعضاء و جوارح، بردگی و ازدواج.

ب - تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات اختفا فرد یا افراد موضوع بند (الف) این ماده پس از عبور از مرز با همان مقصود.

نکته ای که در اینجا باید اشاره نمود این است که هر عملی از مصادیق عناصر مادی و قانونی جرم قاچاق انسان، شامل جنایت سازمان یافته فراملی نیست. زیرا بر طبق بند ب ماده 3 کنوانسیون پالمو، جرم در صورتی ماهیتاً فراملی است که:

الف) در بیش از یک کشور ارتکاب یافته باشد

ب) در یک کشور واحد صورت گیرد، اما بخش زیادی از مقدمات، طرح ریزی، هدایت و یا کنترل آن در کشور دیگری انجام شده باشد.

ج) در یک کشور واحد صورت گیرد، اما یک گروه مجرم سازمان یافته که در بیش از یک کشور به فعالیت مجرمانه دست می زند در آن دخیل باشد.

د) در یک کشور صورت گیرد، اما دارای اثرات قابل ملاحظه ای در کشور دیگر باشد.

قانون مبارزه با قاچاق انسان در ایران، همانند پروتکل الحاقی به کنوانسیون پالمو، تحقق جرم مذکور را منوط به آن دانسته که بخشی از رفتار ارتكابی در خارج از کشور واقع شود. طبق این تعریف، قاچاق انسان یک جرم فرامرزی است و نقل و انتقال اشخاص در داخل کشور به قصد اهداف مذکور، قاچاق محسوب نمی شود. عدم تسری تعریف قاچاق به نقل و انتقال اشخاص در داخل مرزها مورد انتقاد قرار گرفته است و گفته شده نباید قاچاق انسان به مرزهای فراملی محدود شود. (حبیب زاده 106:1388) در اثر این انتقادات در برخی اسناد، مانند کنوانسیون اتحادیه آسیای شرقی برای همکاری منطقه ای راجع به پیشگیری و مبارزه با قاچاق زنان و کودکان برای روسپی گری، و پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در خصوص فروش، فحشا و هرزه نگاری اطفال، تعریف اقدامات انجام شده در کلیه مناطق، اعم از مرزهای داخلی و خارجی پذیرفته شده است، این نکته در تعریف قاچاق انسان در قانون ایران نیز مورد توجه قرار نگرفته؛ حال آن که برای مبارزه بهتر با این پدیده شوم، بهتر بود به آن توجه و قاچاق درون مرزها نیز جرم انگاری می گردید.

فرآیند جهانی شدن مبارزه با قاچاق انسان و اراده دولت ها در مبارزه با آن:

امروزه، یکی از فاکتورهای کنترل جرائم در جوامع، کنترل تجارت غیرقانونی انسان در مرزها می باشد و این امر سبب شده دولت ها در جهت حمایت از فرصت های شغلی داخلی و کاهش جرائم،

به تشکیل پیمان‌های بین‌المللی اقدام نمایند. پروتکل پالرمو یک معاهده‌ی همکاری در کنترل جرائم بین‌المللی است که دولت‌ها را به همکاری در مبارزه با انواع قاچاق تشویق نموده است. همچنین شامل معیارهایی است که از اشخاص قاچاق شده برای جلوگیری از کار غیرقانونی آن‌ها در قالب قوانین بومی حمایت می‌کند. در حال حاضر شاهد تلاش دولت‌ها و جوامع متعهد در پیشگیری از قاچاق انسان و در نتیجه تجارت غیرقانونی اشخاص آسیب‌پذیر هستیم.

همان‌گونه که اشاره شد، برده‌داری و تجارت انسان‌ها، عملی مرسوم در طول تاریخ بشر بوده و از قرن نوزدهم میلادی در برخی از ممالک ملغی گردیده است. شاید بتوان گفت اولین جرعه‌ی مقابله جهانی با قاچاق انسان در سال 1904 م و با امضا مقاله‌ی نامه‌ی بین‌المللی متوقف ساختن قاچاق برده‌های سفیدپوست در پاریس زده شد. ادعای جهانی شدن مقابله با قاچاق انسان از طریق بررسی پدیده‌ی جهانی شدن حقوق کیفری قابل اثبات است. درباره‌ی جهانی شدن حقوق کیفری نظرات متفاوتی وجود دارد. نسیت‌گرایان، جهانی شدن حقوق را به وحدت حقوق تعبیر کرده و بر این باورند که حقوق برگرفته از متغیرهایی چون عوامل محیطی، طبیعی، عرفی، آداب و رسوم و نظام اجتماعی است و در نتیجه جهانی شدن آن متصور نیست. در مقابل پیروان مکتب جهان‌گرایی، حقوق ترسیم‌شده توسط جامعه‌ی بین‌الملل را بنیادین و عدول‌ناپذیر دانسته، معتقدند معیارهای قوانین جزایی باید توسط حقوق بین‌الملل عرفی، عهدنامه‌ها و منشور بین‌المللی حقوق بشر تعیین گردد. (توحیدی فرد، 1380:138). گروهی نیز با استناد به تئوری خردورزی جمعی و با توجه به این که خرد جمعی در مقایسه با خرد اقلیت احتمال خطای پایین تری دارد، معتقد به نوعی مدرنیته حقوق کیفری هستند که در آن اجماع و خرد جهانی امکان اشتباه در زمینه‌ی عدالت کیفری را تا حد معقول کاهش می‌دهد (همان: 45). مدتی نه چندان طولانی از آغاز روند جهانی شدن حقوق سپری شده است. این روند در شاخه‌هایی از حقوق مانند حقوق اقتصادی رشد سریعی داشته و در شاخه‌ی حقوق کیفری به کندی در جریان است. با توجه به این مسئله که همواره قواعد حقوقی مشترک نشأت گرفته از فرهنگ‌های حقوقی مختلف وجود دارد، روند جهانی شدن حقوق کیفری نیز پویا و متحول است. مراد از جهانی‌سازی حقوق کیفری تأکید بر هماهنگ‌سازی است و نه وحدت. در این مفهوم، هماهنگ‌سازی روندی است که نظام‌های حقوقی را ضمن حفظ تفاوت‌های خود به یکدیگر نزدیک می‌سازد (پرادل: 176)

با توجه به اینکه قاچاق انسان و اغلب مصادیق جنایات سازمان‌یافته، فاقد شاکی خصوص هستند و از طرفی دیگر، این جنایات توسط گروه‌های جنایی قدرتمندی ارتکاب می‌یابد که در ارکان حکومتی نیز کم و بیش نفوذ دارند، لذا عزم جدی حکومتی برای هرگونه مبارزه موفق با این

جنایات ضروری است. قاچاق انسان، پس از قاچاق مواد مخدر، پرسودترین عمل مجرمانه بین‌المللی تلقی می‌گردد، از این رو به خاطر تحصیل منافع هنگفت غیرقانونی، نفوذ در مراجع انتظامی و قضایی برای آن‌ها راحت‌تر و هموارتر می‌گردد. فشار افکار عمومی داخلی و بین‌المللی مهم‌ترین عاملی است که دولت‌ها را وادار به تصویب اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی در جهت مبارزه با این جنایات می‌کند.

لیکن اگر اراده واقعی برای مبارزه با این جنایت درون قدرت حاکم نباشد، تصویب این اسناد صرفاً در حد یک نمایش سیاسی باقی می‌ماند.

تلاش‌های صورت گرفته در تنظیم پروتکل پالمو، در اقدامات سیاسی و قانونمند مقابله با قاچاق در سرتاسر جهان منعکس شده است. مطابق گزارش سالانه ی بخش دولتی آمریکا در خصوص قاچاق انسان، اکثر کشورها، تلاش‌های مقابله با قاچاق خود را معطوف به اجرای واکنش‌های کیفی نموده‌اند. در حال حاضر لزوم حمایت جدی‌تر از قربانیان قاچاق، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا ضرورت تنفیذ و احقاق حقوق قانونی از دست رفته ی قربانیان در اولویت امور قرار گرفته است. اغلب دولت‌ها در اعمال سیاست‌های محدودکننده ی مهاجرتی، گاه در تفکیک بین متقاضیان قاچاق و قربانیان قاچاق با مشکل مواجه شده‌اند و این وضعیت می‌تواند منجر به اخراج یا زندانی نمودن متقاضی گردد. چنین روش‌هایی، نه تنها افراد قاچاق شده را در معرض صدمات بیشتر قرار می‌دهد، بلکه آن‌ها را از دسترسی به عدالت محروم نموده و ضمن تضییع حقوق آن‌ها، تلاش‌های دولت را در تعقیب قاچاقچیان و مرتکبان اصلی متزلزل می‌نماید.

شمای جغرافیایی قاچاق انسان در کشورهای جهان (آمار اطلاعات دیوان بین‌الملل کیفری، 2013).

قاچاق انسان در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی:

قاچاق انسان پدیده‌ای نیست که تنها به عصر کنونی و یکی دو دهه ی اخیر محدود گردد؛ لذا از دهه‌های پیشین اقدامات بسیاری در سطح بین‌المللی برای پیشگیری و سرکوب قاچاق انسان انجام شده است. این اقدامات عمدتاً در غالب معاهدات و اسناد بین‌المللی صورت گرفته است. از جمله ی این اسناد، معاهدات راجع به القای بردگی می‌باشند. قاچاق انسان رابطه و نسبت نزدیکی با برده‌داری و تجارت برده دارد؛ به همین دلیل از آن به عنوان برده‌داری معاصر یاد می‌کنند.

این اسناد عبارت‌اند از:

- 1- مقاله نامه ی بین‌المللی 18 می 1904 برای مبارزه با خرید و فروش سفیدپوستان
- 2- قرارداد بین‌المللی راجع به جلوگیری از خرید و فروش سفیدپوستان، مصوب 4 می 1910 و

- 3- کنوانسیون منع بردگی، مصوب 1926 میلادی.
- 4- قرارداد تکمیل منع بردگی و برده‌فروشی و عملیات و ترتیباتی که مشابه بردگی است، مصوب 1926 میلادی.
- 5- اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر (ماده‌ی 4)
- 6- پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات اشخاص به ویژه زنان و کودکان؛ قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده‌فروشی، و عملیات و دستگاه‌های مشابه بردگی، مصوب 1956
- 7- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب 16 دسامبر 1966.
- 8- کنوانسیون رفع کلیه‌ی اشکال تبعیض علیه زنان، مصوب 1979
- 9- اساس‌نامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی 1998
- 10- کنوانسیون سازمان ملل علیه جرائم سازمان یافته‌ی فراملی؛ پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک، مصوب 2000

دیوان بین‌المللی کیفری و اعمال صلاحیت رسیدگی به جرم قاچاق انسان:

پذیرش اساس‌نامه‌ی دیوان بین‌المللی کیفری از سوی نشست نمایندگان تام‌الاختیار ملل متحد برای تأسیس یک دیوان بین‌المللی کیفری در ژوئیه‌ی سال 1998 و تصویب عناصر تشکیل‌دهنده‌ی جرائم تحت پوشش و آیین دادرسی و ادله‌ی آن در ژوئیه‌ی سال 2000 م، معتبرترین دلیل اثبات جهانی شدن حقوق کیفری به شمار می‌آید. با تأسیس این دیوان، نهادی با شخصیت حقوقی بین‌المللی و دارای اهلیت لازم برای اجرای وظایف و تحقق اهداف خود ایجاد شد. از لحاظ ساختاری دیوان، نهاد مستقل و دائمی قضایی است که صلاحیت رسیدگی به جنایت بین‌المللی مندرج در اساس‌نامه‌ی خود را دارد. در فصل اول اساس‌نامه به مسئله‌ی صلاحیت تکمیلی دیوان نسبت به دادگاه‌های ملی اشاره شده است. در فصل دوم اساس‌نامه تحت عنوان "صلاحیت، قابلیت پذیرش و حقوق قابل اجرا" صلاحیت رسیدگی به چهار جنایت نسل‌کشی، جنایت بر ضد انسانیت، جنایت جنگی و جنایت تجاوز ارضی، به دیوان اعطا شده است. در صورتی که بتوان پدیده‌ی قاچاق انسان را در محدوده‌ی جنایات بین‌المللی مندرج در صلاحیت دیوان و سایر دادگاه‌های بین‌المللی موردی جرم انگاری نمود، می‌توان با ادعای اینکه نهاد قضایی بین‌المللی چنین عملی را جرم و قابل مجازات اعلام کرده است، مبارزه با این پدیده را جهانی دانست.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال 1994 میلادی قاچاق انسان را حرکت دادن و انتقال غیرقانونی و مخفیانه‌ی اشخاص ... باهدف غایی اجبار زنان و دختران به استثمار جنسی و اقتصادی

و منتفع شدن قاچاقچیان و سندیکا‌های جنایتکار و ... تعریف کرده است. به موجب ماده‌ی سوم پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان، سال 2000 م. (پروتکل پالمو) نیز قاچاق انسان عبارت است از: استخدام، حمل و نقل، پناه دادن، یا تحویل گرفتن اشخاص باهدف بهره‌کشی و ... بهره‌کشی می‌تواند به صورت بهره‌کشی جنسی، بردگی یا رویه‌های مشابه بردگی و ... باشد. کنوانسیون مشارکت منطقه‌ای اتحادیه‌ی جنوب آسیا (سارک) نیز قاچاق زنان و کودکان را حرکت دادن و نقل و انتقال، خرید یا فروش زنان و کودکان برای فحشا در داخل و یا خارج از کشور می‌داند که باهدف به دست آوردن پول و یا عوض دیگر صورت می‌گیرد. با توجه به تعاریف مذکور می‌توان گفت قاچاق انسان عموماً باهدف استثمار جنسی و اقتصادی صورت می‌گیرد و با افعالی از جمله به بردگی کشاندن، خشونت و بهره‌کشی جنسی، بیگاری، تجاوز به عنف، واداشتن به فحشا و اعمال غیرانسانی دیگر همراه است.

حال باید بررسی کرد که آیا می‌توان اعمال همراه با قاچاق انسان از جمله به بردگی-کشاندن، بردگی جنسی، فحشای اجباری، هتک ناموس به عنف، خشونت جنسی، زجر و آزار و اعمال غیرانسانی دیگر را با ارکان تشکیل‌دهنده‌ی جنایات داخل در صلاحیت دادگاه‌های بین‌المللی موردی و به ویژه دیوان بین‌المللی کیفری متصور شد یا خیر.

دیوان بین‌المللی کیفری به موجب اساس‌نامه خود، صلاحیت رسیدگی به چهار دسته جرم بین‌المللی جنایات جنگی، نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و تجاوز ارضی را دارد. جرم قاچاق انسان در میان جرائم ذکرشده، شباهت‌هایی از لحاظ عناصر قانونی، مادی و روانی جرم به جنایت علیه بشریت دارد. لذا دیوان در حال حاضر صالح به رسیدگی جنایی قاچاق انسان در عرصه بین‌الملل می‌باشد. همچنین ذکر این نکته ضروری است که به موجب اصل صلاحیت تکمیلی دیوان، صلاحیت ملّی تقدم دارد و در صورت ناتوانی و یا عدم تمایل دولت‌ها به تحقیق و تعقیب جرائم مندرج در اساس‌نامه صلاحیت دیوان موضوعیت اجرا می‌یابد.

بررسی پیشینه روند قاچاق انسان در ایران

قاچاق انسان در ایران منحصر به عصر حاضر نبوده و اسناد تاریخی به جای مانده، حکایت از قاچاق زنان ایرانی در دوره‌ی قاجاریه دارد. در اسناد کتابخانه‌ی ملی، 3 هزار سند درباره‌ی قاچاق انسان (به ویژه قاچاق زنان) از دوره‌ی قاجاریه وجود دارد که از این میان حدود 40 سند مربوط به دوره‌ی پهلوی دوم و سایر اسناد مربوط به دوره‌ی قاجاریه و پهلوی اول است. از میان این اسناد، خرید و فروش دختران و زنان در منطقه‌ی خلیج فارس و افغانستان بیشتر گزارش شده و البته در

بعضی مناطق استان‌های سیستان و بلوچستان و خراسان نیز رایج بوده است. (ایران نیوز؛ شماره ی 840122).

تا کنون هیچ‌گونه تحقیق میدانی جامعی در خصوص شیوه‌ها و میزان قاچاق انسان در ایران صورت نگرفته است و اغلب در اخبار رسانه‌های چاپی و فضای مجازی، اخبار پراکنده‌ای در خصوص پدیده قاچاق انسان و گاهی نیز دستگیری برخی اعضای قاچاق انسان درج و منتشر می‌گردد. در سال‌های اخیر، همزمان با گسترش پدیده‌ای قاچاق انسان در جهان، گزارش‌های بیشتری از قاچاق انسان در ایران انتشار یافته است. بر اساس یافته‌های تحقیقی که با همکاری مرکز امور مشارکت زنان و کمیته‌ی سازمان دفاع از قربانیان خشونت انجام شده است، بیانگر روند رو به افزایش قاچاق زنان و دختران استان‌های مرزی به کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس، امارات متحده‌ی عربی، پاکستان و افغانستان و به طور محدود به کشورهای اروپایی و آسیایی است. قاچاقچیان، قربانیان را از کشورهای بنگلادش، افغانستان، پاکستان به داخل ایران حمل و سپس به اروپا می‌فرستند (سازمان دفاع از قربانیان خشونت 42:1389).

بر اساس شواهد موجود، ایران به عنوان یک کشور ترانزیت اشخاصی است که از کشورهای شرقی مانند پاکستان و افغانستان به کشورهای اروپایی قاچاق می‌شوند. قاچاقچیان این افراد را از مرزهای خراسان و سیستان وارد، و پس از مسیر طولانی از مرزهای غرب و استان آذربایجان غربی خارج می‌کنند. اما مشکل حادثه، قاچاق اتباع ایرانی به کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس و پاکستان است.

بر عکس مورد قبل که بزه دیدگان انواع مختلفی دارند و مردان و زنان و کودکان را شامل می‌شوند، در قاچاق به کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس و پاکستان، بزه دیدگان به طور عمده زنان و دختران ایرانی هستند.

شمای جغرافیایی قاچاق انسان در ایران (ایران نیوز، شماره 840122)

تأثیر جهانی شدن مبارزه با قاچاق انسان بر سیاست جنایی تقنینی ایران و بررسی

جرم انگاری قاچاق انسان در ایران:

اقدامات بین‌المللی صورت گرفته در مقابله با قاچاق انسان و امضا و تصویب آن به وسیله‌ی کشورهای جهان و جرم انگاری این پدیده با توجه به مندرجات اساس‌نامه‌ی دیوان بین‌المللی کیفری دلایلی محکم بر جهانی شدن این مقابله است. روند جهانی شدن بدون توجه به تمایل یا عدم تمایل دولت‌ها، بر وضعیت حقوقی و سیاسی کشورها تأثیر خواهد گذاشت. این تأثیر بر سیاست جنایی تقنینی ایران چه بوده است؟ در این جا هدف تنها بررسی تأثیرات جهانی شدن

مقابله با قاچاق انسان بر قوانین جزایی است و بسط و توضیح قوانین در این مدخل نمی‌گنجد. سیاست جنایی هر کشور نمایانگر ارزش‌های مورد حمایت جامعه و راه‌های صیانت از آن است و قانون مجازات مصداق بارز و عملی آن است. مراجعه به این قانون در دهه‌های اخیر حاکی از این است که مسئله‌ی قاچاق انسان در قالب استثمار جنسی از مدت‌ها پیش متأثر، از جامعه‌ی جهانی، مورد توجه قانون‌گذار بوده است (نگهی مخلص آبادی، 1391:25)

قانون‌گذار چند سال پس از توصیه‌ی کمیته‌ی شورای جامعه‌ی ملل مبنی بر وضع قوانینی باهدف جرم‌انگاری تسهیل فحشا زنان و قوادی، ماده‌ی 211 قانون مجازات عمومی سال 1352 را تصویب کرد و به این ترتیب قوادی، واسطه‌گری در فحشا و دایر نمودن روسپی‌خانه را جرم و قابل مجازات اعلام نمود. بر اساس این ماده کسی که عادتاً افراد کمتر از 18 سال را به فساد اخلاق و شهوت‌رانی تشویق کرده و یا آن را تسهیل کند، برای شهوت‌رانی غیر ببرد و یا او را وادار به رفتن کند و یا او را برای این مقصد اجیر کند و یا افراد ذکور و انثا را به اعمال منافی عفت وادار یا وسایل ارتکاب آن را فراهم سازد، قوادی کند، فاحشه‌خانه‌ای را دایر کند و یا زنی را برای شهوت‌رانی غیر اجیر نماید به حبس تأدیبی از 6 ماه تا 3 سال و به تأدیه‌ی غرامت از 250 تا 5000 ریال محکوم می‌شود. این ماده به مفاد کنوانسیون 1949 میلادی سازمان ملل متحد پاسخ مثبت داده است و کلیه‌ی مفاد آن از جمله مقابله با بهره‌کشی از روسپی‌گری دیگران و قاچاق زنان به خارج از کشور باهدف استثمار جنسی را پوشش می‌دهد، اما در عمل هرگز به اجرا در نیامد. (اشتری، 1385:207)

ایران از جمله کشورهایی است که خیلی زود از اوایل سده‌ی بیستم با پیوستن به اسناد بین‌المللی موجود علیه قاچاق زنان، قوانینی داخلی را برای مبارزه با آن به تصویب رساند؛ اما بررسی این‌گونه قوانین و نیز پیوستن ایران به اسناد بین‌المللی در این خصوص، از سیر نزولی حکایت دارد. بررسی این قوانین نشان خواهد داد که این سیر نزولی پس از انقلاب نیز در زمینه‌ی پیوستن به اسناد بین‌المللی با شتاب بیشتری ادامه یافت.

ایران اسناد 1921، 1910، 1904 و 1933 را امضا کرد و همگام با آن‌ها قوانینی داخلی را نیز به تصویب رساند. پس از این‌ها در 1949 نیز پروتکل اصلاحی را برای تأیید دوباره‌ی سه سند نخست به تصویب رساند؛ اما علیرغم اینکه خود ایران جزو امضاکنندگان قطعنامه‌ی مجمع عمومی برای تصویب کنوانسیون 1949 بود، بعداً از امضای تصویب خود کنوانسیون خودداری ورزید؛ در واقع سیر نزولی یادشده از همین جا آغاز شد، که بیشتر به خاطر رواج فساد اخلاقی و روسپی‌گری

در ایران در زمان پهلوی دوم بود؛ به گونه‌ای که امضای کنوانسیون و تعهد بین‌المللی ناشی از آن مستلزم برهم زدن بسیاری از سیاست‌ها و برنامه‌های حکومت محمدرضا پهلوی به شمار می‌رفت.

پس از انقلاب اسلامی قانون مجازات اسلامی جایگزین قانون مجازات عمومی گردید. قانون‌گذار به جرائم و مجازات از زاویه‌ای دیگر نگرست و با توجه به حرمت جرائم جنسی، بدون تصریح به قاچاق انسان و فارغ از توجه به جنبه‌های گوناگون آن صرفاً مقابله با استثمار جنسی را مورد توجه قرار داد. از آن جمله می‌توان به ماده‌ی 639 قانون مجازات اسلامی سال 1375 اشاره کرد. افرادی که مرکز فساد یا فحشا دایر یا اداره کنند، مردم را به فساد یا فحشا تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم نمایند، به حبس از 1 تا 10 سال محکوم می‌شوند. این ماده تنها در مورد قاچاق انسان باهدف استثمار جنسی قابل اعمال است و مصادیق دیگر استثمار اقتصادی از جمله کار اجباری، کار سخت خانگی، نکدی‌گری، قاچاق اعضا بدن و سایر اهداف غیراخلاقی و مجرمانه را در بر نمی‌گیرد. ایران با پیوستن به کنوانسیون حقوق کودک در سال 1372 و به موجب ماده‌ی 34 خود را متعهد کرد تا برای حمایت از کودکان در برابر انواع استثمار جنسی و اقتصادی، اقدامات ملی و دو یا چندجانبه اتخاذ نماید. هم‌چنین، یک بار دیگر متأثر از اقدامات بین‌المللی در مقابله با قاچاق کودکان هم‌جهت شد و قانون تصویب کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک و توصیه‌های مکمل آن را در سال 1380 تصویب و بدترین اشکال کار کودک را مواردی از جمله بردگی، خرید و فروش و قاچاق کودک، استفاده از کودک برای فحشا معرفی کرد.

به موجب ماده‌ی 3 این قانون: هرگونه خرید و فروش، بهره‌کشی و به‌کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف، از قبیل قاچاق ممنوع و مرتکب حسب مورد، علاوه بر جبران خسارات وارده به شش ماه تا یک سال زندان یا به جزای نقدی از 10 میلیون ریال تا 20 میلیون ریال محکوم خواهد شد. هرچند در این ماده به طور صریح به قاچاق انسان اشاره نشده، ولی استفاده مطلق از واژه قاچاق، خرید و فروش و بهره‌کشی می‌تواند موجب این برداشت شود که مراد قانون‌گذار در این ماده، قاچاق به معنای مطلق، اعم از قاچاق انسان و مواد مخدر است. فقدان مقررہ کیفری خاص در خصوص قاچاق انسان نیز این برداشت را تقویت می‌کرد.

افزایش قاچاق انسان در جهان منجر به نگرانی بیشتر جامعه‌ی بین‌المللی و اتخاذ اقدامات ملی و فراملی گوناگونی شد. مجلس شورای اسلامی نیز متأثر از نگرانی‌ها و تلاش‌های بین‌المللی و در کنار گزارش چندین مورد قاچاق انسان در ایران، در سال 1383 قانون هشت ماده‌ای "مبارزه با قاچاق انسان" را تصویب کرد. اگر چه ایران تا آگوست سال 2012 م. پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص و به ویژه زنان و کودکان سال 2000 م. سازمان ملل متحد را امضا و

تصویب نکرد اما قانون گذار با الهام از پروتکل نامبرده و تحت تأثیر آن قاچاق انسان را خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور به اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوءاستفاده از وضعیت فرد یا افراد یادشده باهدف فحشا یا برداشت اعضا و جوارح، بردگی و ازدواج تعریف کرد.

مجازات قاچاق انسان در حقوق موضوعه ایران:

قانون مبارزه با قاچاق انسان در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ 28/04/1383 مجلس شورای اسلامی تصویب و بدون ارائه نظر از سوی شورای نگهبان در مهلت مقرر در اصل نود و چهارم قانون اساسی، به تاریخ 25/5/1383 در قالب هشت ماده و نه تبصره، به دولت ارسال شده است. که در مواد 1 و 2 به تعریف و ماهیت قاچاق انسان پرداخته و در مواد 3 تا 5 نیز به مجازات مرتکب قاچاق در حالات مختلف اشاره کرده است.

ماده 3 قانون مذکور بیان داشته است: چنانچه عمل مرتکب قاچاق انسان از مصادیق مندرج در قانون مجازات اسلامی باشد، مطابق مجازات‌های مقرر در قانون یادشده و در غیر این صورت به حبس از 2 تا 10 سال و پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است محکوم می‌شود.

طبق تبصره این ماده در صورتی که فرد قاچاق شده کمتر از 18 سال داشته باشد و عمل ارتكابی نیز از مصادیق محاربه و افساد فی الارض نباشد، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر در ماده محکوم خواهد شد. اگر مراد قانون گذار در تبصره مذکور، حالتی است که مرتکب همزمان با قاچاق برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه می‌برد، نیازی به بیان حکم مجدد نبود؛ زیرا در این موارد قاضی می‌تواند بر مبنای ماده 183 حکم صادر کند، اما چنانچه مراد قانون گذار آن باشد که قاچاق، مصداقی از جرم محاربه و افساد فی الارض است، قابل انتقاد به نظر می‌رسد، زیرا تعمیم عنوان محاربه و افساد فی الارض که از جرائم مستوجب حد است، به قاچاق که از جرائم مستوجب تعزیر است، فاقد دلیل روشن بوده، با تفسیر مضیق متون کیفری که در استنباط احکام جرائم مستوجب حد باید رعایت شود، مخالف است. (حبیب زاده، 1388: 116)

تبصره 2 ماده 3 مجازات شروع به جرم را شش ماه تا دو سال حبس بیان کرده است. از ابداعات قانون گذار، پیش‌بینی مسؤولیت کیفری برای اشخاص حقوقی است.

طبق تبصره 3 ماده 3: مجازات معاونت در جرم قاچاق انسان، به میزان دو تا پنج سال حبس حسب مورد و نیز جزای نقدی معادل وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه

دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است، خواهد بود. به عنوان یک قاعده کلی، معاونت در جرائم سازمان یافته از مشارکت در این جرائم منفک نمی‌شود و همه دست اندرکاران ارتکاب این جرائم به عنوان شرکای جرم مجازات می‌شوند.

ماده 4، به موضوع دخالت کارکنان دولت یا مؤسسات، شرکت‌ها و سازمان‌های وابسته به دولت و نیروهای مسلح یا مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی یا نهادهای انقلاب اسلامی یا به طور کلی کارکنان قوای سه گانه پرداخته و عنوان داشته است که افراد فوق، علاوه بر مجازات‌های مقرر در این قانون، با توجه به نقش مجرم، به انفصال موقت و یا دایم از خدمات محکوم خواهند گردید.

همچنین ماده 5 مقرر داشته: چنانچه مؤسسات و شرکت‌های خصوصی به قصد ارتکاب جرائم موضوع این قانون، ولو به نام و عنوان دیگری تشکیل شده باشند، علاوه بر اعمال مجازات‌های مقرر، پروانه فعالیت یا مجوز مربوط ابطال و مؤسسه و شرکت به دستور مقام قضایی تعطیل خواهد گردید. ظاهراً منظور از اعمال مجازات‌های مقرر، اعمال مجازات حبس نسبت به اشخاص حقیقی تشکیل دهنده بوده است؛ چون بدیهی است که مجازات حبس در خصوص اشخاص حقوقی قابل اعمال نیست.

در قانون مبارزه با قاچاق انسان، مرجع صالح به رسیدگی به این جرم تعیین نشده است. در نگاه اول، طبق اصل اولیه، محاکم عمومی صالح به رسیدگی به این جرم هستند؛ ولی با توجه به اطلاق بند 5 ماده 5 قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب که رسیدگی به جرائم قاچاق را در صلاحیت دادگاه انقلاب دانسته است، باید گفت که دادگاه‌های انقلاب، صلاحیت رسیدگی به قاچاق انسان را دارند. این دیدگاه که قاچاق انسان جزء جرائم علیه امنیت است نیز این نظر را تقویت می‌کند.

مبنای صلاحیت دادگاه‌های ایران در رسیدگی به جرم قاچاق:

1- وقوع جرم در خاک ایران:

به استناد مواد 5 قانون مدنی همچنین ماده 3 قانون مجازات اسلامی ایران، صراحتاً کلیه سکنه ایران اعم از اتباع داخله و خارجه که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی ایران را از تابعین حقوق داخلی می‌داند، دولت ایران بر اساس حقوق داخلی خود و بر اساس اصل صلاحیت سرزمینی می‌تواند اقدام به رسیدگی جرم مذکور و مجازات مرتکبین آن نماید. تا ضمن استقرار نظم و امنیت عمومی در کشور، ترویج دهنده فرهنگ و رویکرد جنایی مبارزه با این جرم در صحنه بین‌المللی باشد. پس با این توصیف، یک تبعه خارجی ساکن در ایران، سوای تابعیت خود، در صورت ارتکاب جرم قاچاق انسان، مشمول صلاحیت سرزمینی دادگاه‌های ایران در رسیدگی به این جرم می‌شود.

2- وقوع جرم توسط اتباع ایرانی در خارج کشور:

قانون گذار ایران در خصوص رسیدگی به جرم قاچاق، فقط به اصل صلاحیت سرزمینی اکتفا نکرده و بیان داشته است که در صورت ارتکاب مصادیق جرم قاچاق انسان توسط تبعه ایران در خارج از خاک کشور، بر اساس اصل شخصی فعال و یا مثبت، دادگاه‌های داخلی ایران صالح به رسیدگی جرم مذکور می‌باشند.

3- وقوع جرم در خارج از ایران علیه اتباع ایرانی توسط اتباع بیگانه:

در صورت حادث شدن پدیده جرم قاچاق در خارج از قلمرو ایران، علیه تبعه ایران توسط اتباع بیگانه، وفق ماده‌ی 6 لایحه مصوب مجازات اسلامی و به اعتبار اصل شخصی منفعل، دادگاه‌های ایران صالح به رسیدگی می‌باشند. که این خود نمادی از حمایت کیفری دولت ایران از شهروندان خود در خارج از کشور می‌باشد.

ذکر این مطلب نیز حائز اهمیت است که پروتکل الحاقی پالمو 2000، رسیدگی به جرم قاچاق انسان توسط کشورها در سطح بین الملل را منوط به تصویب پروتکل الحاقی نموده است. و ایران نیز به دلیل اینکه به پروتکل فوق نپیوسته است، صالح به رسیدگی جرم قاچاق انسان توسط بیگانگان در سطح بین الملل به عنوان طرح دعوی و شروع به رسیدگی نمی‌باشد.

ضرورت الحاق ایران به کنوانسیون پالمو و پروتکل الحاقی:

هرچند واکنش قانون گذار ایران در برخورد و جرم انگاری قاچاق انسان به عنوان یکی از جرائم سازمان یافته و ضد ارزش‌های انسانی، در سال 1383 گام مهمی در اجرای اهداف منشور سازمان ملل و هم راهی با جامعه جهانی جهت مبارزه با این جرم برداشته شده است، و این مهم با ارزش و در خور تحسین می‌باشد، ولی به دلیل عدم الحاق به کنوانسیون پالمو و پروتکل الحاقی مربوط به پیشگیری و مجازات قاچاق انسان و به ویژه زنان و کودکان، درک کاملی از عمق این مصیبت فراملی از خود نشان نداده است. لذا این نکته اساسی که مبارزه کارآمد با چنین جرائم سازمان یافته‌ی جهانی، در گرو همکاری فراگیر کلیه کشورها و هم سویی با اسناد بین الملل است، مغفول واقع شده است. نظر به اینکه قاچاق انسان در وضعیت امروزی، به عنوان یک پدیده گسترش یافته جهانی جلوه نموده است، شایسته است عکس العمل جهانی و فراگیر علیه آن صورت گیرد و هم نوایی کشورها با یکدیگر و هم سویی با سازمان ملل متحد و اسناد جهانی به نحو کامل تری در معرض عمل گذارده شود.

اکنون که بیش از ده سال از زمان تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان در ایران می‌گذرد، زمان آن فرا رسیده است تا علاوه بر اصلاحات اساسی آن توسط مجلس، موضوع الحاق به کنوانسیون مزبور و پروتکل الحاقی آن، به طور جدی در دستور کار دولت و مجلس قرار گیرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

بر اساس اطلاعات به دست آمده در این مطالعه، دلایل قانع کننده‌ای مبنی بر افزایش قاچاق انسان وجود دارد. فشار اقتصادی پایدار در کشورهای فقیر و در حال توسعه، فقدان فرصت‌های آموزشی و شغلی، گردشگری جنسی، نیاز کشورهای صنعتی، تبلیغات پرجاذبه دلان قاچاق انسان، وجود فاحشه‌خانه‌ها در بسیاری از کشورها، تورم جمعیت، کشمکش‌های داخلی، ضعف در کنترل مرزها، عدم جرم‌انگاری، تبعیض جنسیتی، افول ارزش‌ها و باورهای دینی، سهولت در جعل هویت، فساد نهادهای نظارتی و مرتبط با قاچاق انسان، خشونت‌های خانوادگی، پایین بودن هزینه جرم‌زدواج اجباری و دیگر عوامل دخیل در معرض قاچاق انسان، حاکی از آن است که تعداد قابل توجهی از افراد بانگیزه کسب منافع مالی و یافتن زندگی در دام مافیای قاچاقچیان انسان گرفتار می‌شوند.

اقدامات بین‌المللی بسیاری در زمینه مبارزه با این جرم بین‌المللی صورت گرفته است و از آن جمله می‌توان به کنوانسیون بین‌المللی ممانعت از قاچاق بردگان سفیدپوست (4 می 1910 م.)، قرارداد بین‌المللی الغای خرید و فروش زنان و کودکان (1921 م.)، قرارداد مربوط به بردگی و کار اجباری (1926 م.) در ژنو، کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از قاچاق زنان کبیر (1933 م.)، کنوانسیون ممانعت از قاچاق اشخاص و بهره‌کشی از روسپی‌گری دیگران (1949 م.)، کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان (1979 م.)، پروتکل الحاقی کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان یافته فراملی در زمینه پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان (پالرمو 2000) اشاره نمود. تشکیل دادگاه‌های بین‌المللی موردی و دیوان بین‌المللی کیفری و پذیرش اساس‌نامه‌ی آن توسط بسیاری از کشورها روند جهانی شدن حقوق کیفری را تحکیم‌بخشید.

تهیه و تصویب اسناد بین‌المللی و منطق‌های و پذیرش آن‌ها در سطح بین‌المللی از یک سو و تلاش دولت‌ها در جهت اجرای تعهدات ناشی از الحاق به اسناد و ورود اصول و مواد پذیرفته شده به قوانین داخلی از سوی دیگر و جرم‌نگاری اعمال همراه با قاچاق انسان توسط یک مرجع قضایی بین‌المللی بیانگر جهانی شدن مبارزه با قاچاق انسان است. متأسفانه برخلاف وجود همکاری‌های بین‌المللی و اقدامات دولت‌ها در سطح ملی، قاچاق انسان رشد فزاینده، سود سرشار و متقاضیان بسیار دارد و هم‌چنان موجب نگرانی جامعه‌ی بین‌المللی است.

در کنار انعقاد کنوانسیون ها و اسناد بین‌المللی فوق، جنبش وضع مقررات کیفری شدید در حوزه قاچاق انسان در بسیاری از کشورها مشاهده می‌شود. قانون‌گذار ایران نیز متأثر از نگرانی‌ها و تلاش‌های بین‌المللی در سال 1383 قانون 8 ماده‌ای "مبارزه با قاچاق انسان" را تصویب کرد. اگر چه ایران در حال حاضر، پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص و به ویژه زنان و کودکان سال 2000 م. سازمان ملل متحد را امضا و تصویب نکرده است، اما قانون‌گذار با الهام از پروتکل نامبرده و تحت تأثیر آن به تعریف قاچاق انسان پرداخته است. هر چند این قانون، خلأ قانونی در این حوزه را رفع کرده، ولی همان‌طور که مشاهده شد در برخی از موارد، قانون مذکور ایراداتی دارد که ضروری است برای اصلاح آن‌ها اقدام شود. در پایان، با توجه اینکه معضل قاچاق انسان، به عنوان یک پدیده فراگیر در عرصه جهانی در حال گسترش است، لزوم همکاری و همسویی کشورهای جهان با یکدیگر و در قالب کنوانسیون‌های بین‌المللی امری ضروری است. فلذا برای اینکه ایران نیز از این قافله جهانی مبارزه با این جنایت شوم جا نماند، می‌بایست موضوع الحاق ایران به کنوانسیون‌های بین‌المللی مبارزه با قاچاق انسان و به ویژه کنوانسیون پالمو 2000 و پروتکل الحاقی آن، در دستور کار دولت و مجلس قرار گیرد.

پیشنهادات:

با توجه نگرانی‌های جامعه جهانی در خصوص گسترش روزافزون قاچاق انسان، به منظور جلوگیری از این روند نگران‌کننده (که در این مطلب نیز به عمق این معضل و تلاش دولت‌ها برای مبارزه با قاچاق انسان نیز پرداخته شده است)، پیشنهادات ذیل ارائه می‌گردد:

- 1- تصویب پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق انسان مصوب سال 2000 توسط دولت‌ها، که جدیدترین و کامل‌ترین سند بین‌المللی ضد قاچاق انسان است.
- 2- اطلاع‌رسانی و افزایش آگاهی‌های عمومی در باره خطرات قاچاق انسان با استفاده از رسانه‌ها و سایر وسایل ارتباط جمعی
- 3- همکاری با اینترپل به عنوان نهادی که از اهداف آن همکاری بین‌المللی و ایجاد روابط رسمی بین پلیس کشورهای مختلف به منظور تسهیل مبارزه با مجرمان است.
- 4- همکاری نیروهای پلیس کشورهای عضو در جهت ارتقای امنیت بین‌المللی و پشتیبانی عملیاتی از نیروهای پلیس در تمامی کشورهای عضو از طریق تبادل اطلاعات.
- 5- انجام تحقیقات پیرامون علل و انگیزه‌های قاچاق انسان از طریق مؤسسات و مراکز تحقیقاتی.

- 6- افزایش آگاهی کارکنان دولتی مرتبط با قاچاق انسان و به ویژه پلیس، نهادهای مهاجرتی، کنسولگری‌ها، سفارتخانه‌ها و ارکان قضایی و قانون‌گذاری کشورها در خصوص قاچاق انسان.
- 7- اتخاذ تدابیر مناسب برای پیشگیری از قاچاق انسان، تعقیب مجرمان و حفاظت از حقوق اشخاص قاچاق شده در کشورهای مبدأ.
- 8- تقویت واحدهای تخصصی پلیسی و قضایی برای رسیدگی به پرونده‌های شبکه‌های مافیایی قاچاق انسان.
- 9- ایجاد یک ستاد مرکزی برای هماهنگی نیروهای اقدام‌کننده علیه جنایات فراملی
- 10- برگزاری کنفرانس‌های توجیهی در کشورهایی که سازمان‌های تبه‌کار فعالیت بیشتری در آن حوزه دارند.

منابع:

- اشتری، بهنار) 1385 (قاچاق زنان، انتشارات میزان
- اشتری، بهنار) (1380)، قاچاق زنان: بردگی معاصر، انتشارات اندیشه برتر
- بیگی، جمال، (1389)، راهبردهای حمایتی سازمان ملل متحد، ایران و اسلام در تأمین امنیت بزه دیدگان و شهود قاچاق انسان، فصلنامه فقه و حقوق اسلامی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز) دوره 1، شماره 1.
- پورتر، کارلین (1385) نگرانی سازمان ملل از جهانی شدن قاچاق انسان، خبرگزاری دانشجویان ایسنا
- توحیدی فرد، محمد (زمستان 1380)، "فرآیند جهانی شدن حقوق کیفری"، مجله ی مدرس علوم انسانی، شماره 214
- جانی چانگ برگردان، محمد رحمتی (1390)، فصلنامه تعالی حقوق، سال چهارم/ شماره های 13 و 14
- حبیب زاده، محمدجعفر و همکاران، (1386) قاچاق انسان در حقوق کیفری ایران، فصلنامه مدرس، دوریره سیزدهم، شماره 4
- خالقی، علی، (1388)، جستارهایی از حقوق جزای بین الملل، تهران، موسسه مطالعاتی و پژوهش های حقوقی، چاپ اول
- دبیرزاده، الهه، (1386) تحلیل حقوقی قاچاق انسان در حقوق ایران و اسناد بین المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرمشناسی، دانشگاه شهید بهشتی
- ذاقلی عباس، (1387)، مقاله بررسی ظرفیت دیوان کیفری بین المللی برای رسیدگی به بزه قاچاق انسان، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره 26، صفحه
- ذاقلی، عباس، (1389) قاچاق انسان در سیاست جنایی ایران و اسناد بین المللی، تهران، نشر میزان، چاپ اول
- زنجانی، حبیبالله (1380)، مهاجرت؛ انتشارات سمت؛ تهران؛ چاپ اول
- سازمان دفاع از قربانیان خشونت، (1382) قاچاق زنان و کودکان و راهکارهای قانونی مبارزه با آن.
- سلیمی صادق، قاچاق انسان و مبارزه با آن در حقوق کیفری ایران، فصلنامه علمی، پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره 26

- سلیمی، صادق (1382) جنایات سازمان یافته فراملی، انتشارات تهران صدا
- سلیمی، صادق، (1383)، قاچاق اشخاص به عنوان یک جنایت سازمان یافته فراملی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره 64
- شیبانی، حسن، (1384) قاچاق انسان، پایان نامه کارشناسی ارشد جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی،
- صندوق کودکان سازمان ملل-یونیسف (1377)، تحلیلی از موقعیت کودکان خیابانی تهران؛ تهران؛ دفتر یونیسف.
- عبادی، شیرین (1372)، "تاریخچه و اسناد حقوق بشر در ایران"، تهران، انتشارات روشنگران.
- عصار، محمد تقی بیابانی، غلامحسین (1386) قاچاق انسان، انتشارات کارآگاه
- عینی، محسن (1391) بزه دیدگان قاچاق انسان در اسناد فراملی، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، دوره شماره 1
- کولایی، الهه، (1386) عوامل و انگیزه های قاچاق انسان با تاکید بر آسیای مرکزی، فصلنامه سیاست، مجله‌ی دانشکده حقوق علوم سیاسی، دوره 37، شماره 4
- معتمدی، هادی مستوفی فر، فرزانه (1388) قاچاق انسان، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی
- مقدسی، محمد باقر، (1390) بررسی مسئله قاچاق انسان و شناسایی چالش‌های حقوقی آن، دفتر مطالعات فرهنگی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
- میرمحمد صادقی، حسین. 1386. حقوق جزای بین الملل. تهران: نشر میزان. چاپ دوم.
- نگهبی مخلص آبادی، مرجان، (1391)، جهانی شدن مقابله با قاچاق انسان، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن، سال پنجم، شماره 16

سایت‌ها:

- سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران www.rc.majlis.ir
- سایت قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران www.dadiran.ir
- سایت سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران www.nlai.ir
- سایت ستاد حقوق بشر قوه قضائیه ایران www.humanright-iran.ir

